

## بررسی امکان نقش و تأثیر شیطان در بیماری‌های جسمی انسان با تکیه بر آیه ۴۱ ص

سید سعید میری\*

### چکیده

موضوع این جستار، بررسی مسئله امکان نقش و تأثیر شیطان در بیماری‌های جسمی انسان با تکیه بر آیه ۴۱ سوره ص و روایات مرتبط است. هدف، یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا شیطان در گرفتاری‌های مختلف حضرت ایوب علیه السلام به‌ویژه بیماری‌های جسمی او و به تبع آن سایر انسان‌ها نقشی داشته و اگر چنین است، ساز و کارش چگونه است؟ از جمله یافته‌های این پژوهش یکی اینکه تأثیر شیطان از طریق انگیزش هیجانات روانی و وسوسه انسان به انجام افعالی که نتیجه قطعی آن بیماری‌های جسمانی اوست، مسلم است؛ دیگر اینکه دایره مفهوم و مصداق شیطان یا شیاطین در زبان آیات و به‌ویژه روایات فراتر از ابلیس جَنّی است و شامل شیاطین انسی و موجودات مودّی و تهدیدکننده سلامت انسان مثل انواع میکروب‌ها نیز می‌شود.

### واژگان کلیدی

آیه ۴۱ ص، تأثیر شیطان، بیماری جسمانی، حضرت ایوب علیه السلام.

miri@bkatu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۹

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء علیهم السلام بهبهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

## طرح مسئله

نقش سلامت جسمی در خوشبختی انسان بی‌نیاز از توصیف است. براساس آموزه‌های وحیانی، در عالم حقیقتی به نام شیطان وجود دارد. از نظر آموزه‌های قرآنی در این که شیطان عامل اصلی گمراهی و بدبختی انسان و بیماری‌های فکری، اعتقادی، روحی، روانی و اخلاقی اوست، تردیدی وجود ندارد؛ (فاطر / ۶؛ نور / ۲۱؛ اسراء / ۶۴) اما در باب نقش شیطان در بیماری‌های جسمانی انسان قول واحدی وجود ندارد.

در باب پیشینه بحث باید گفت، در برخی آیات قرآن به گرفتاری‌های حضرت ایوب علیه السلام به برخی مشکلات اشاره شده؛ از جمله:

وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَمْ يَسْنِئِ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (انبیاء / ۸۳)

و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربانترین مهربانانی.

در جایی دیگر از قول حضرت ایوب علیه السلام مشکلات پیش آمده به شیطان نسبت داده شده که برخی مفسران گفته‌اند منظور از آن نقش شیطان در بیماری جسمانی حضرت ایوب علیه السلام است:

وَ أَذْكَرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَمْ يَسْنِئِ الشَّيْطَانَ يُنْصَبِ وَعَذَابِي. (ص / ۴۱)

و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت): پروردگارا! شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.

گفته شده منظور از «ضُرُّ»، بدحالی است؛ چه در نفس به خاطر کمی علم، فضل و عفت و چه در بدن، به خاطر جراحت و نقص و چه در حالات ظاهری مثل کمی مال و جاه؛ و در مورد ایوب هر سه معنا محتمل است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۳) به نظر می‌رسد در سوره ص به گونه‌ای «ضُرُّ» به «نُصَب و عذاب» تفسیر شده است. در اینکه منظور از «نُصَب» و «عذاب» در این آیه چه چیزی است، گفته شده: منظور از نصب، «بیماری بدنی و جسمی و رنج» و منظور از عذاب، «از بین رفتن مال و دارایی» حضرت ایوب علیه السلام است. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۳ / ۱۰۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۶۴۷) تقریباً غالب مفسران، «نُصَب» را به معنای بیماری جسمانی دانسته‌اند که به قول برخی از آنها به استناد برخی روایات در اثر مباشرت مستقیم شیطان و از طریق دمیدن در جسم (در منافذ سر و یا زیر دو پای حضرت ایوب علیه السلام) او را بیمار ساخت (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۲۴۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۵ / ۳۵۲)؛ برخی نیز هر دو کلمه را راجع به بدن دانسته‌اند (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۰) و گفته‌اند این

بیماری که مصادیق متعددی برای آن بیان شده، از جذام و برص گرفته تا روان شدن خون سیاه، خونابه چرکین و کرم‌زدگی، هفت تا هیجده سال او را آزار می‌داد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۵۰۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۳۵۴؛ رسغنی، ۱۴۲۹: ۶ / ۵۰۰) پیشینیان از مفسران - به جز زمخشری در تفسیر کشاف - تا حدوداً قرن ششم نوعاً چنین پرسش و تحلیلی را حول روایات نقل شده در تفسیر آیه بیان نکرده‌اند. آنان فقط به نقل روایت پیش گفته با مضمون واحد و نفوذ جسمانی شیطان اشاره کرده و در این باب اظهارنظری نکرده‌اند. اما از قرن ششم و هفتم به بعد مسئله امکان نفوذ مادی و فعلی شیطان در وجود انسان و از جمله بیماری‌های جسمانی در تفاسیر قرآن، پیرامون داستان حضرت ایوب علیه السلام توسط مفسرانی از جمله فخر رازی به شکلی پررنگ‌تر مطرح شد. حال سؤال اصلی این است که آیا شیطان این توانایی را دارد که بتواند تن انسان را بیمار کند؟

### بررسی مسئله امکان نفوذ شیطان در جسم انسان

برخی از مفسران با استناد به آیه مورد بحث و تمرکز بر واژه «نُصِب» گفته‌اند که چنین چیزی امکان‌پذیر است: (ظاهراً مراد از «مس شیطان به نصب و عذاب» این است که: می‌خواهد «نصب» و «عذاب» را به نحوی از سببیت و تأثیر به شیطان نسبت دهد و بگوید که شیطان در این گرفتاری‌های من مؤثر بوده است. همین معنا از روایات نیز برمی‌آید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۷) در اینجا سؤال است که با وجود محرز بودن نقش علل و عوامل طبیعی در بیماری‌های جسمانی انسان و ثبوت علمی آن، چگونه در این آیه بیماری انسان به شیطان نیز نسبت داده شده است؟

#### ۱. طرح و دفع سه شبهه

در پاسخ به شبهه «استناد هم‌زمان بیماری و عذاب به شیطان و علل طبیعی توأمان آن» گفته شده: «این دو سبب؛ یعنی شیطان و عوامل طبیعی، دو سبب در عرض هم نیستند، تا در یک مسبب جمع نشوند و نتوان مرض را به هر دو نسبت داد، بلکه دو سبب طولی‌اند.<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۷) الف) در پاسخ به این شبهه که «اگر چنین استنادی (نسبت بیماری به شیطان) ممکن هم باشد، اما صرف امکان، دلیل بر وقوع آن نمی‌شود؛ از کجا دانسته می‌شود که شیطان قدرت چنین تأثیری در انسان‌ها دارد که هر کس را بخواهد، بیمار کند؟»، گفته شده: نه تنها دلیلی بر امتناع آن وجود

۱. توضیح این مسئله در تفسیر آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ...» (اعراف / ۹۶) در تفسیر المیزان / ۸ / ۲۰۱ طباطبایی، ۱۳۷۴: بیان شده است.

ندارد، بلکه آیه شریفه «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنْصَابُ وَالأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> (مائده / ۹۰)

دلیل بر وقوع آن است؛ برای اینکه در این آیه، شراب، قمار، بت‌ها و ازلام را به شیطان نسبت داده و آن را عمل شیطان خوانده و نیز از حضرت موسی علیه السلام حکایت کرده که بعد از کشتن آن مرد قبطی گفته: «... هذا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ». (قصص / ۱۵)

که در تفسیرش بیان شد که واژه «هذا» اشاره به مقاتله آن دو دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۷)  
 ب) شبهه سوم، استدلال زمخشری در تفسیر کشاف است که چنین نوشته است:

به هیچ وجه نمی‌توان این وجه را پذیرفت که خدا شیطان را بر انبیاء خود مسلط کند تا هر گونه بخواهد آن حضرات را آزار دهد و دچار عذاب نماید، زیرا اگر این کار نسبت به انبیاء جایز باشد، نسبت به پیروان انبیاء؛ یعنی مردم صالح نیز (به طریق اولی) ممکن است، آن گاه آن کسی که از درگاه خدا رانده شده (شیطان) هیچ مؤمن صالحی را از این انتقام سالم نمی‌گذارد و همه را بیچاره و هلاک می‌کند با اینکه در قرآن کریم مکرر آمده، که شیطان به غیر از وسوسه، هیچ دخالت و تأثیر دیگری ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۹۷)

صاحب المیزان این شبهه را نیز وارد ندانسته؛ زیرا از نظر وی گرچه عصمت انبیاء مانع از تصرف شیطان در دل‌های آنان می‌گردد، اما مانع تأثیرگذاری بر ابدان، اموال و اولاد آنها نیست. نه تنها هیچ دلیلی بر امتناع آن در دست نیست، بلکه دلیل بر امکان وقوع آن نیز وجود دارد، و آن آیه شریفه «فَأَنِّي نَسِيتُ الْهُوتَ وَ مَا أَنَسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ؛ من (در آنجا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد!» (کهف / ۶۳) است که راجع به داستان مسافرت حضرت موسی علیه السلام با همسفرش حضرت یوشع علیه السلام است که به موسی علیه السلام چنین گفت: «اگر ماهی را فراموش کردم، این فراموشی کار شیطان بود، او بود که نگذاشت من به یاد ماهی بیفتم». پس، از این آیه قابل برداشت است که شیطان چنین دخل و تصرف‌هایی را در دل‌های معصومان علیهم السلام دارد.

ج) این شبهه که اگر شیطان بتواند بر انبیاء معصوم علیهم السلام تأثیر گذارد، طبیعتاً فرزندان و پیروان انبیاء در مقابل شیطان آسیب‌پذیرترند، پس همه در مقابل شیطان شکست خواهند خورد، نیز وارد نیست؛

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

زیرا تصرفات شیطان در دل‌های انبیاء و غیر آنها به اذن خداست و بسا مداخله شیطان مطابق مصلحت الهی است، مانند آنکه خدا بخواهد میزان را صبر بنده‌اش معین نماید. لازمه این حرف آن نیست که شیطان بدون مشیت و اذن خدا هر چه دلش بخواهد انجام دهد. و هر بلایی که خواست، بر سر بندگان خدا درآورد، و این امری روشن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۸)

از این رو می‌توان گفت با توجه به اینکه سلطه احتمالی شیطان بر جسم و روان حضرت ایوب علیه السلام، اولاً به فرمان خدا بوده، ثانیاً محدود و موقتی بوده و ثالثاً برای آزمایش این پیامبر بزرگ و ترفیع درجه او صورت گرفته، پس مشکلی ایجاد نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۲۹۵)

## ۲. دیدگاه مخالفان

در جبهه‌ای دیگر برخی منکر نقش و توانایی شیطان در بیماری‌های جسمانی انسان شده، گفته‌اند مراد از «نصب و عذاب» در این آیه، گرفتاری، حزن و اندوه‌هایی بود که در اثر وسوسه شیطان در بزرگنمایی بلا، تحریک حضرت ایوب علیه السلام به جزع و فزع و ناامیدی از رحمت الهی پدید آمده بود. (واحدی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۰۳) به علاوه این دسته از مفسران به رغم ظاهر آیه در «اسناد مس نصب و عذاب حضرت ایوب علیه السلام به شیطان» در توجیه سببیت شیطان در «نصب و عذاب» به استناد برخی روایات، گمانه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند که بیشتر ناظر به این است که «باء» در «نصب» باء تعدیه بوده یا اینکه باء، حرف آلت است؛ از قبیل «ضَرْبَهُ بِالْعَصَاءِ» یا اینکه نصب و عذاب را از باب اعطی به معنای مفعول دوم تلقی کرده‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۱۶۳) برخی نیز باء را سببیه دانسته؛ به این معنا که این حرف، نصب و عذاب را دو مسبب برای مس حضرت ایوب علیه السلام توسط شیطان قرار داده است؛ یعنی شیطان مرا به وسواسی مس کرده که سبب آن نصب و عذاب بوده است. برخی نیز حرف باء را از نوع «مصاحبه» تلقی کرده‌اند؛ به این معنا که شیطان مرا به وسوسه‌ای مس کرده که مصاحب و همراه ضرّ و عذاب بوده است. (همان، ۱۶۳ / ۲۳) پس در سخن حضرت ایوب علیه السلام «أَيُّ مَسْنِي الشَّيْطَانِ...» کنایه لطیفی از طلب لطف خداوند بدین وسیله، برای رفع نصب و عذاب از خود است؛ زیرا آن دو به منزله راه‌های نفوذ شیطان در نفس وی بوده که از خداوند درخواست عصمت از آنها را نموده بود؛ مانند قول حضرت یوسف علیه السلام که گفت:

وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ (یوسف / ۳۳)

و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!

تنوین در نصب و عذاب یا برای تعظیم امر یا برای بیان نوع فعل است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۱۶۳)  
 برخی نیز گفته‌اند این‌گونه استناد از باب ادب و حیاء بوده و برای پرهیز از نسبت بد دادن به  
 خدای متعال بوده است. (سلطان‌علی شاه، ۱۴۰۸: ۳ / ۳۱۰)

### دلایل موافقان

معتقدان به توانایی شیطان در ایجاد بیماری جسمانی برای انسان به دلایل زیر استناد جسته‌اند:  
 ۱. تصریح آیه به «اضافه فعل بیماری و عذاب به شیطان»؛ اگر گفته شود شیطان در بیماری و  
 عذاب حضرت ایوب علیه السلام نقشی نداشته، این سؤال پیش می‌آید، پس ذکر شیطان در آیه با تصریح به  
 نقش او در فعل موردنظر چه فایده‌ای داشته است؟ (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۷)؛ ناگزیر باید به نقش  
 شیطان در بیماری و آلام حضرت ایوب علیه السلام اعتراف کرد. از سوی دیگر کلمه «نصب» ظهور غالب در  
 هر نوع بیماری و ناخوشی دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۷۵۸) و منحصر به بیماری‌های اعتقادی و  
 روانی نیست.

۲. دلالت صریح روایات بیمار شدن حضرت ایوب علیه السلام توسط شیطان (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۷)؛  
 قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵ / ۲۰۸؛ مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳: ۳ / ۶۴۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵، ۳۱)؛  
 ۳. روایات متعدد ناظر به امکان آسیب‌دیدگی انسان از ناحیه شیاطین جنی (مفید، بی‌تا: ۱ / ۳۴۰)؛  
 ۴. تعویذات دینی سفارش شده در باب جلوگیری از آسیب‌رسانی شیاطین به انسان‌ها، مانند نقش  
 قرائت دو سوره ناس و فلق در سلامت انسان (بحرانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۸۱۷؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۱۲۰)؛

### دلایل مخالفان

مخالفان نظریه توانایی شیطان در آسیب رساندن به جسم انسان دلایلی ارائه کرده‌اند؛ از جمله:  
 ۱. ظهور برخی آیات قرآن در عدم توانایی شیطان برای سلطه بر انسان؛ قرآن کریم از شیطان  
 حکایت می‌کند که او به جز وسوسه، سلطه‌ای بر انسان ندارد (ابراهیم / ۲۲) و نیز: (حجر / ۴۲)؛ نحل  
 / ۹۹؛ اسراء / ۶۵) بنابراین آلام و بیماری‌های [جسمانی] اشاره شده در آیه مورد بحث، به فعل الهی  
 حاصل شده و وساوس و خواطر فاسده به فعل شیطان حاصل شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۶)  
 ۲. در صورت پذیرش اینکه موت و حیات و سلامت و بیماری می‌تواند از فعل شیطان باشد، پس  
 چه بسا ممکن است یکی از ما حیات خود را از فعل شیطان یافته باشد؛ در این صورت، لازم می‌آید  
 که تمام خوبی‌ها و نیکی‌های انجام شده توسط ما در واقع به فعل شیطان حاصل شده باشد؛ که در آن

صورت ما راهی به شناخت این حقیقت که اعطاءکننده موت و حیات و سلامت و بیماری خدای تعالی است، نداریم. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۷)

۳. اگر شیطان دارای چنین توانایی‌هایی بود، قاعدتاً شیطان می‌بایست انبیاء، صالحین و همه کسانی که به نوعی دشمن سرسخت او هستند را با استفاده از این قدرت از پای در می‌آورد؛ حال آنکه چنین امری سخیف و این موضوع باطل و ساختگی است چنین چیزی در تاریخ دیده و گزارش نشده است. (علم الهدی، ۱۴۳۱: ۳ / ۲۷۳)

۴. برخی از بیماری‌های نسبت داده شده به حضرت ایوب علیه السلام، نفرت‌آور است و باعث رویگردانی مردم از فرستاده خدا می‌شود و این با عقل و حکمت ارسال رسلنا سازگار است. (طبرسی، ۱۴۰۰: ۸ / ۷۴۵؛ علم الهدی، ۱۴۳۱: ۳ / ۲۷۴) افزون بر اینکه گفته شده تمام روایات ناظر به بیماری‌های نفرت‌زای منسوب به حضرت ایوب علیه السلام از سنخ اسرائیلیات متناقض عهد قدیم بوده و با قاطعیت رد شده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۵ / ۲۵۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۸۱؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۰۲۱) و بر این ادعا مستندات روایی نیز ارائه کرده‌اند. (صدوق، ۱۳۸۹: ۲ / ۴۰۰ - ۳۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۳۴۸) بنابراین، آنچه که برخی از تفاسیر نسبت به نفرت‌آور بودن بیماری‌های آن حضرت نقل کرده‌اند، باطل است و ساحت نبوت از آن منزّه می‌باشد؛ زیرا وجود موجبات نفرت مردم در انبیاء، منافی و نقض غرض بعثت است. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱ / ۲۰۰)

۵. شر نمی‌تواند مخلوق خدا باشد؛ همان‌گونه که در مناجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده: «والخیر فی یدیک والشر لیس إلیک؛ [خدایا] خیر در دستان توست و شر از ناحیه تو نیست». (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵ / ۲۱۰)

۶ نسبت فعل بد به شیطان و نه به خدا، برای رعایت ادب در مقابل خداوند بوده و گر نه همه چیز [حتی بیماری هم] از ناحیه خداست؛ (محلّی، ۱۴۱۶: ۴۵۸) یعنی این اسناد، اسناد مجازی از باب اسناد به سبب است. (قونوی، ۱۴۲۲: ۱۶ / ۴۲۱) در حقیقت در این اسناد فقط آنچه از جنس کمال است به خدای تعالی نسبت داده شده و حال آنکه در حقیقت همه اینها از ناحیه خداوند پدید می‌آید. از طرفی حضرت ایوب علیه السلام گرفتاری‌هایش را در پیشگاه خدا با این زبان بیان کرده تا در مقابل او شکوه به حساب نیاید.

برخی نیز گفته‌اند اسناد بیماری به شیطان به علت آن است که شیطان بیماری حضرت ایوب علیه السلام را از خدا درخواست کرده بود که در این اسناد مراعات ادب شده است. (بروسوی، بی‌تا: ۸ / ۴۰)

۷. ممکن است گفته شود اگر شیطان چنین توانایی داشته باشد، با عدل الهی ناسازگار است؛ زیرا آزاد گذاشتن شیطان، سرسخت‌ترین دشمن انسان ضعیف (روم / ۵۴) با عدل و حکمت خدا سازگاری ندارد.

## تحلیل و نقد ادله موافقان و مخالفان

به نظر می‌رسد گرچه جهاتی از ادعای مخالفان صحیح می‌باشد، اما از جهاتی نیز قابل نقد است:

۱. در اینکه کار اصلی شیطان، اضلال اخلاقی، فکری و عقیدتی انسان است، بحثی نیست، اما باید دقت کرد بحث از سلطه مشروط و محدود شیطان بر انسان با توجه به سیاق آیات مزبور، سلطه اخلاقی، فکری، خیالی و روانی اوست، اما این مسئله با تسلط شیطان بر بعد جسمانی انسان در برخی شرایط منافاتی ندارد تا گفته شود، شیطان نمی‌تواند بر جسم انسان اثر بگذارد. به‌ویژه اینکه از دقت در استثناء ذکر شده در آیه، عدم سلطه، ناظر به عدم انحراف و تباهی مؤمنان راستین است و بحثی از سلامت جسمانی انسان مطرح نیست؛ به عبارتی مدار بحث آیات مورد نظر، کمیت و کیفیت نقش شیطان در انحراف فکری، عقیدتی و اخلاقی انسان است، نه بیماری جسمانی. حتی برخی مخالفان تسلط جسمانی - و نه عقلانی - شیطان نیز، اصل امکان تأثیرگذاری جسمانی شیطان بر مؤمنان را به اراده خدا و برای امتحان مؤمنان ناممکن ندانسته‌اند. همان‌گونه که در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز به آن اشاره شده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَ يُمَيِّنُهُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ وَ لَا يَبْتَلِيهِ بِذَهَابِ عَقْلِهِ، أَمَّا تَرِي أَيُّوبَ كَيْفَ سَلَّطَ إِبْلِيسَ عَلَى مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ وَ لَمْ يُسَلِّطْ عَلَى عَقْلِهِ، تَرَكَ لَهُ لِيُوحِدَ اللَّهَ بِهِ؛

خدای عزوجل مؤمن را به هر بلائی مبتلا می‌سازد و به هر نوع مرگی می‌میراند، اما او را مبتلا به زوال عقل نمی‌کند؛ مگر نمی‌بینی خداوند چگونه ابلیس را بر مال و فرزند اهل حضرت ایوب علیه السلام و همه چیز او مسلط ساخت، ولی بر عقلش مسلط نساخت؟ عقلش را برای او باقی گذاشت تا خدا را به واسطه آن به وحدانیت بستاند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۱ / ۳۷۰)

۲. واژه «شیطان» از ماده «شطن» گرفته شده، و «شاطن» به معنای «خبیث و پست» است. شیطان مفهومی عام است و می‌تواند افزون بر «ابلیس» - که اسمی خاص است - شامل هر موجود سرکش و متمرد اعم از انسان و یا جن و حیوانات و جنبنندگان دیگر نیز بشود، و معنای روح شریر و دور از حق نیز از موارد استعمال این واژه در قرآن است که از آن استفاده می‌شود شیطان به موجود مودی و مضر گفته می‌شود، موجودی که از راه راست برکنار بوده و در صدد آزار دیگران است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۹۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۲۷۲)

این گستره مفهومی از دیرباز در میان لغویان مصطلح بوده است؛ به‌عنوان نمونه «ترکیب سگ



شیطانی» در بیت زیر در کتاب العین از همین قبیل آمده است:

و فی أخادید السیاط المشن شاف لبغی الکلب المشیطین  
(فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶ / ۲۳۶)

درمان ستمکاری سگ شیطان [صفت] در لایه‌های تیز تازیانه است.

با این مقدمه چه بسا بتوان گفت موجودات ریز میکروسکوپی که دانش امروز بشر آن را با عنوان میکروب و ویروس می‌شناسد، خود از جنود ابلیس و شیاطین باشند. در قرآن و روایات بر مفهوم عام جنود ابلیس تأکید شده است.

تفسیر المنار پا را از این ادعا که «میکروب از جنود ابلیس است» فراتر گذاشته و میکروب را نوعی شیطان جنی دانسته است (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۳ / ۹۶)

در برخی روایات نیز صرف نظر از قوت یا ضعف اسناد آنها، از شیاطینی یاد شده که از طریق خون وارد بدن می‌شوند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹ / ۲۶۷)

فراتر از اینها گاهی در روایات متعدد، کلمه شیطان به صراحت بر موجوداتی نیز اطلاق شده که از نظر مسلمات علمی امروز مصداق بارز آن «میکروب» می‌باشد؛ از جمله:  
از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده:

زبانه‌ها را شب در خانه‌های خود نگه ندارید؛ زیرا زبانه جایگاه شیطان است. (صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۵)

مبادا کسی از شما موهای زیر بغل خود را بلند بگذارد! زیرا شیطان آن را مخفیگاه خود می‌گیرد و در آن پنهان می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۵۰۷)

ریش‌های خود را شانه کنید و ناخن‌های خود را کوتاه سازید! زیرا شیطان میان گوشت و ناخن روان است. (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۶۰)

موهای شارب (سبیل) خویش را بلند مگذارید! زیرا شیطان آن را محیطی امن برای زندگی خویش قرار می‌دهد و در آنجا پنهان می‌گردد! (صدوق، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۵۷)

درهای منازل خود را ببندید! سر ظرف‌های خود را سرپوش نهدید و بند مشک‌های آب خود را محکم ببندید که شیطان روپوش را بر نمی‌دارد و ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷ / ۷۳)

خانه شیطان در خانه‌های شما، خانه عنکبوت است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۵۳۲)

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

از قسمت شکسته و طرف دستگیره ظرف، آب نخورید؛ زیرا شیطان روی دستگیره و قسمت شکسته شده ظرف می‌نشیند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲ / ۶۳۹)

بنابراین، با دقت در مفاد و مدلول این‌گونه روایات که تماماً توجیه‌پذیر و بلکه گویا هستند، یکی از معانی شیطان یا دست‌کم جنود ابلیس، می‌تواند میکروب‌های زیان‌بخش باشد. امروزه از نظر علمی نقش میکروب‌های مختلف در تهدید سلامت انسان کاملاً روشن است.

حال اگر پذیرفتیم که میکروب از مصادیق شیطان و از جنود ابلیس است، می‌توان احتمال داد که ابلیس از طریق میکروب، حضرت ایوب علیه السلام را بیمار کرده است و قاعدتاً چنین امکانی نسبت به سایر انسان‌ها نیز محتمل است.

با این نگاه به مقوله شیطان، اولاً: بحث‌ها و مسائل نوپدید در آفاق علوم دینی و از جمله اخلاق حادث خواهد شد که می‌تواند برخی از مبانی اعتقادی و اخلاقی و حتی حوزه احکام اسلامی را وارد فضایی جدید و متفاوت نماید.

ثانیاً: در چنین صورتی شاید بتوان به کمک این دسته از کشفیات جدید (حوزه ناقل‌های عصبی) در درمان بسیاری از ردائل و پرورش ملکات اخلاقی به کمک دارو و درمان‌های پزشکی، گام‌های بلندی برداشت.

به نظر می‌رسد اساساً در خلال گذر زمان و پیشرفت‌های علمی و معرفتی خیره‌کننده، لازم است تعاریف برخی اصطلاحات دینی ضمن رعایت اصول موضوعه آن علم و پرهیز از تفسیر به رأی مورد بازبینی قرار گیرد؛ از جمله این اصطلاحات می‌توان از واژه «عذاب الهی» نام برد. (میری، ۱۳۹۴: ۳۵)

۳. سومین دلیل مخالفان که گفته‌اند «قدرت نفوذ شیطان در جسم انسان با عدالت و حکمت خدا سازگار نیست»، در صورتی درست خواهد بود که انسان فاقد تجهیزات و توانایی لازم برای مقابله با این نوع حمله‌های شیطان باشد، اما خداوند قدرت مقابله با بیماری را از طریق عقل و وحی (روایات فراوان ناظر به سلامت جسمانی) و حکمت (فهم ویژه و بصیرتی که در پرتو تقوا حاصل می‌شود) به انسان بخشیده است.

۴. در باب قطعی بودن ورود اسرائیلیات به داستان حضرت ایوب علیه السلام، که برخی ابراز قطعیت نموده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۸۱؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۰۲۱) اصل این ادعا گرچه درست است، اما با این حال، اولاً: صرف امکان ورود برخی احادیث جعلی به یک موضوع، دلیل بر جعلی بودن همه روایات مرتبط با آن موضوع نمی‌شود؛ ثانیاً: چنانچه گذشت، عمده تمرکز بحث بر آیاتی از قرآن کریم است که محقق را در باب کلیت موضوع تا حدود زیادی از توسل به برخی روایات ضعیف بی‌نیاز می‌کند.

۵. افزون بر موارد فوق، به حکم عقل و تجربه بشری، انسان‌ها معمولاً توانایی بیمار کردن یکدیگر را از طرق مختلف دارند، طبعاً ابلیس که از جنس جن است و توانایی‌های مختلف او به مراتب بیشتر از انسان است به طریق اولی باید قدرت بیمار ساختن انسان را داشته باشد.

### جمع‌بندی

در باب امکان تأثیرگذاری شیطان بر جسم انسان، مفسران با محوریت آیه «وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا اٰیُوْبَ اِذْ نَادٰی رَبَّهُ رَبِّ اِنِّیْ مَسَّنٰی الشَّیْطٰنُ نُصْبًا وَّ عَذَابًا» دو نقطه نظر موافق و مخالف ایراد کرده‌اند. این پژوهش به استناد دلایل قرآنی، روایی و عقلی، بر نظریه امکان تأثیر شیطان در بیماری‌های جسمانی از رهگذر توسعه مصادیق جنود ابلیس صحه می‌گذارد.

در این مقال، ضمن ارائه نظریات موافقان و مخالفان، تحلیل و نقد آنها، تلاش شده تا با نگاهی جدید به مسئله و ارائه قرآنی از علوم جدید ضمن خوانش موسع نظریه علامه طباطبایی، نظریه موافقان مورد تأکید قرار گیرد.

### نتیجه

۱. از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که شیاطین جنی و انسی به‌عنوان جنود ابلیس - به اذن پروردگار - قادر به بیمار ساختن انسان هستند.
۲. با عنایت به گستره مفهوم لغوی شیطان در آیات و روایات، میکروب‌ها می‌توانند مستقیماً از مصادیق شیطان یا دست کم جنود ابلیس به حساب آیند.
۳. نقش غیرمستقیم شیطان نیز در بیماری انسان، وسوسه کردن او به انجام اموری است که سلامت جسمانی او را به مخاطره می‌اندازد.
۴. گسترش مفهوم شیطان تا سرحد علل و عوامل طبیعی و بیولوژیکی از یک سو و کشفیات علمی جدید در حوزه‌های بیوشیمیایی وجود انسان، به‌ویژه بحث ناقل‌های عصبی از سوی دیگر، می‌تواند منشأ تحولات مهمی در حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام گردد. اساساً در خلال گذر زمان و پیشرفت‌های علمی و معرفتی بشر، لازم است تعاریف برخی اصطلاحات دینی ضمن رعایت اصول علمی و پرهیز از تفسیر به رأی، بازتعریف شوند.
۵. عمل به دستورها و احکام اسلام چنانچه به درستی انجام شود، می‌تواند از بیماری‌های جسمانی انسان تا حدود زیادی جلوگیری نماید.

۶. امکان اینکه حضرت ایوب علیه السلام به اذن پروردگار به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط شیطان بیمار شده باشد، وجود دارد.

۷. همان گونه که حضرت ایوب علیه السلام به وسیله «دعا» به درگاه خدا از آن بیماری های عمیق و طولانی شفا یافت، دعا و تضرع می تواند به عنوان یکی از راه های درمان بیماری های جسمانی، روانی و اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد، همان طور که در روایات نیز به این مسئله تصریح شده است.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چ ۲.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چ ۳.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، *لسان العرب*، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش، چ ۴.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیة.
- رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله، ۱۴۲۹ ق، *رموز الكنوز فی تفسیر کتاب العزیز*، مکه مکرمه، مکتبه الأسدی.
- رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴ ق، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت، دار المعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۹۴، *سلسله جلسات پاسخ گویی به شبهات جدید قرآنی*، پایگاه تحلیلی خبری قدس آنلاین، دوشنبه ۱۷ اسفند؛ به نشانی: <http://qudsonline.ir>.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، ۱۴۰۸ ق، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- سیدقطب، ۱۴۲۵ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، ایران، تهران، میقات.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۰، *علل الشرائع*، ترجمه ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۶ ق، *نواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دار الرضی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق، ۱۴۲۰ ق، *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، *التفسیر الکبیر*، اردن، اردن، دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۰ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چ سوم.
- علم الهدی، علی بن الحسین، ۱۴۳۱ ق، *تفسیر الشریف المرتضی المسمی ب: نفائس التأویل*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، دار الهجرة.
- فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قونوی، اسماعیل بن محمد، ۱۴۲۲ ق، *حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیة ابن التمجید*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، بی تا، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسة النور.
- مدرس، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الإسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، بی تا، *الإرشاد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، چ ۲.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عده الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیر کبیر، چ پنجم.
- میری، سید سعید، ۱۳۹۴، *عذاب های دنیوی الهی و انسان معاصر*، قم، معارف اسلامی.
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵ ق، *الوحی فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار القلم.